

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ نومبر ۲۰۲۲

## کنفرانس مسکو در مورد افغانستان، سر آغاز اعلام ختم جهان یک قطبی!

پنجشنبه - ۱۲ عقرب ۱۴۰۱ - کابل: با استناد به گزارش سپوتنیک بخش افغانستان، کابلوف نماینده خاص "پوتین" در امور افغانستان طی مقاله ای در روزنامه نیز اویسیما نوشت:

"... ما در نظر داریم بر روی کار در چارچوب فرمت مسکو (روسیه، چین، هند، ایران، پاکستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبیکستان) تمرکز کنیم که قرار است اجلاس بعدی آن در میانه ماه نومبر در مسکو برگزار شود."

نامبرده در همین مقاله نخست دلیل بیرون انداختن امریکا را از ترکیب ترویکا "چین، روسیه، امریکا" به علاوه پاکستان خود خواهی و خود محور بینی امریکا دانسته چنین نگاشته است:

"همکاران آن سوی اقیانوس از آنها برای ترویج خودخواهی‌های خود کار می‌گیرند. اهداف حفظ سلطه خلاف منافع مناطق."

در یادداشت امروز مکث مختصری به ارتباط این تصمیم مسکو و معنای آن در جهان سیاست خواهیم داشت:

۱- آنهایی که با سیاست های جهانی بعد از ختم جنگ جهانی دوم و پیدایش جهان دو قطبی که در یک طرف آن دولت شورا ها و متحدین جمهوری های دموکراتیک آن در اروپای شرقی، چین، ویتنام و کوریای شمالی و در طرف دیگر ناتو در کلیت آن قرار داشت؛ آشنائی دارند نیک می دانند که در آن زمان هر منازعه، هر واقعه و هر حادثه و تغییری که در داخل یک کشور و یا بین کشور ها در جهان صورت می گرفت و الزام دخالت نیروهای بین المللی را می نمود، مجالس و محافلی که جهت حل آن معضلات دایر می شد، شرکت کنندگان در چنان مجالسی عمدتاً به دور محور های مسکو و واشنگتن گرد هم جمع می شدند. ذات همان ترکیب مبین موجودیت جهان دوقطبی بود. زیرا می دانستند بدون شرکت هر دو ابر قدرت و موافقه آنها با یک فیصله، آن فیصله اعتباری پیدا نخواهد نمود.

۲- بعد از تحریب و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و همکاری مزدورمنشانه دولت چین با امپریالیسم امریکا متأثر از حاکمیت "تئوری سه جهان" بر سیاست خارجی آنکشور، مشخصاً از سال ۱۹۹۰ به بعد شاهدیم که به موازات ختم جهان دوقطبی، ضرورت شرکت روسیه و طرفدارانش در حل معضلات منطقه‌ئی و بین المللی نیز از میان رفته از آن به بعد این تنها امپریالیسم امریکا بود که گاهی به صورت مستقیم و زمانی هم توسط اقمارش در ناتو، به حکمروائی خودش در جهان ادامه می داد و به هر سان و سمتی که می خواست توسنش را جولان می داد.

۳- با تغییراتی که در عرصه جهانی به ویژه رشد اقتصادی سریع چین و رشد بی سابقه قدرت نظامی روسیه از یک جانب و بحرانهای مالی و اقتصادی پیهم جهان سرمایه بر خاسته از سیاست های تجاوزکارانه آنها در سطح جهان از سوی دیگر به وجود آمد، روسیه و چین که خود را در معرض خطر تجاوزات پیهم و دخالت های تجزیه گرانه از جانب امپریالیسم امریکا و کلیت ناتو احساس می نمودند، مشکلات بین خود شان را حل نموده به مثابه یک واحد توانمند اقتصادی- نظامی و سیاسی در مقابل زیاده خواهی های امپریالیسم امریکا ایستادند.

این امر که به جنگ اوکراین انجامید در عمل به مثابه اعلام ختم برتری امریکا و جهان یک قطبی تلقی شد.

۴- بر مبنای همین دید است که امروز روسها جهت ختم معضل افغانستان، خلاف دهه ۹۰ قرن گذشته و اوایل این قرن که کسی روسیه را شامل هیچ بازی و مناسباتی نمی دانست، با بیرون انداختن امریکا و حتا طرفدارانش علی رغم آن که دو هفته قبل زیر نام اتحادیه اروپائی خواستار شرکت خودشان در تقسیم منافع احتمالی از افغانستان تلاش نمودند، نه تنها جهان یک قطبی را خاتمه یافته اعلام می دارد، بلکه با دعوت از کشور های منطقه به مسکو، صریحاً به جهانیان اعلام می دارد که من بعد در حل معضلات منطقه ئی، فقط همسایگان همان منطقه نقش داشته و بیش از این نژاد انگلوساکسون نمی تواند حرف آخر را در محاسبات بین المللی بزند.

۵- حل معضله افغانستان بدون در نظر گرفتن غرب و دخالت های استعماری آن، فقط در صورتی می تواند امکان پذیر گردد که تمام کشور های منطقه صادقانه به آنچه فیصله می گردد، پایبند و متعهد باقی بمانند.

تا جایی که دیده می شود از جمع تمام کشور هائی که به مسکو دعوت خواهند شد، پاکستان و یکی دو کشور آسیای میانه به درجات پائینتری از پاکستان، نمی توانند قابل اعتماد صد درصد باشند. کنفرانس مسکو اگر بتواند پاکستان را به آنچه تعهد می نماید وفادار سازد، احتمال این که معضلات افغانستان بدون دخالت های کشور های امپریالیستی غرب راه حل بیابند در چشم رس قرار می گیرد، هرگاه کنفرانس مسکو که بیشترین اعضای کنفرانس شانگهای در آن وجود دارند، به این امر یعنی متعهد ساختن واقعی پاکستان موفق نگردند و پاکستان باز این امکان را بیابد که در حرف یک چیزی بگوید و در عمل کار دیگری انجام دهد، در آن صورت واضح است که کنفرانس مسکو نیز هیچ نوع تأثیری در حل معضلات افغانستان بر جای نخواهد گذاشت.

هموطنان گرامی!

این که اعلام جهان چند قطبی آیا به مرحله اجرائی رسیده و یا نه می تواند در همین کنفرانس محک زده شود، یعنی در صورتی که این کنفرانس علی رغم مخالفت ها و یا عدم تمایل غرب، تصامیمی مانند به رسمیت شناختن حاکمیت نظام ملاسالار اتخاذ نماید، در آنصورت می توان به جهان یک قطبی سرسلامتی داد، در غیر آن باید پذیرفت که به این زودبیا نباید انتظار کدام تغییر مؤثری را در اوضاع افغانستان داشت.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**